

قصه‌های شهر

هفته خود را چگونه گذرانید؟

گیتی صفرزاده

● روز اول: دوستی را می‌بینم، می‌گوید خبر داری برابید ۴۰ میلیون تومان شده است؟ خبر ندارم. روز دوم: در دبیرخانه جشنواره غروسکی هستم، چند دانش‌آموز نمایش غروسکی کار کرده‌اند و اجرا دارند. سرشار از شور و شوق‌اند، از ایده‌ها و برنامه‌هایشان می‌گویند. احساس می‌کنم جوان شده‌ام.

روز سوم: دخترم زنگ می‌زند، صدایش به‌هم‌ریخته است. می‌گوید هول نشو، سر چهارراه ایستاده بودم، کیف پولم را زدن. می‌گویم خودت سالمی؟ جواب مثبت است. مراسم سیاسگراری را به‌جا می‌آورم...

روز چهارم: خبری می‌خوانم درباره اپلیکیشنی که با آن می‌توانید در هرجای شهر که هستید تقاضای دوچرخه کنید، سوار شوید و بعد در هرجا می‌خواهید رهایش کنید، با قفلی که رویش هست، در ذهنم برنامه می‌چینم که از هفته آینده کدام مسیرها را می‌توانم با دوچرخه بروم و با نگاه‌های متعجب احتمالی چه برخوردی داشته باشم.

روز پنجم: راننده تمام‌مدت راه از گرانی و افزایش نرخ ارز و بی‌ارزش‌بودن کرایه‌ها و بی‌حاصل‌بودن زندگی حرف می‌زند. موقع پیاده‌شدن می‌گوید می‌ایستم تا داخل خانه شوید، دیروقت است...

صبح پشت میز صبحانه بی‌خبر از عالم و آدم برای خودم کش‌وقوس می‌آیم. توبیت همکاری را می‌بینم: یا من نمی‌فهمم رئیس‌جمهور چه می‌گوید یا ما واقعا داریم در آبادتین و بهترین‌ کشور دنیا زندگی می‌کنیم. هفته‌ام را مرور می‌کنم. مطمئنم که در آبادتین و بهترین‌ کشور دنیا زندگی نمی‌کنم، اما تنوع تضاد و شدت اتفاقات دوروبرم نشان می‌دهد در زنده‌ترین کشور دنیا زندگی می‌کنم. زنده‌بودن را دوست دارم، گرچه گاهی تا سرحد مرگ می‌رسد.

پیشنهاد

«قرزین»: بیم‌ها و امیدها

خانه گفتمان شهر مقارن با نهم شهریور؛ روز ملی قزوين، نشست «قزوين»، بیم‌ها و امیدهای یک شهر کهن را برگزار می‌کند. در این برنامه، احسان اشراقی اخصایی، سیدمحمد بهشتی، علی‌اصغر حداد، آسیه جوادی (ناستین)، دهباشی، مهدید میرمعزی، حسن لطفی و محمدعلی حضرتی حضور دارند. این نشست، امروز ساعت ۱۷ در خانه گفتمان شهر (خانه وارطان) در میدان فلسطین، شماره ۵۱۴ برپا می‌شود.

شرق روزنامه

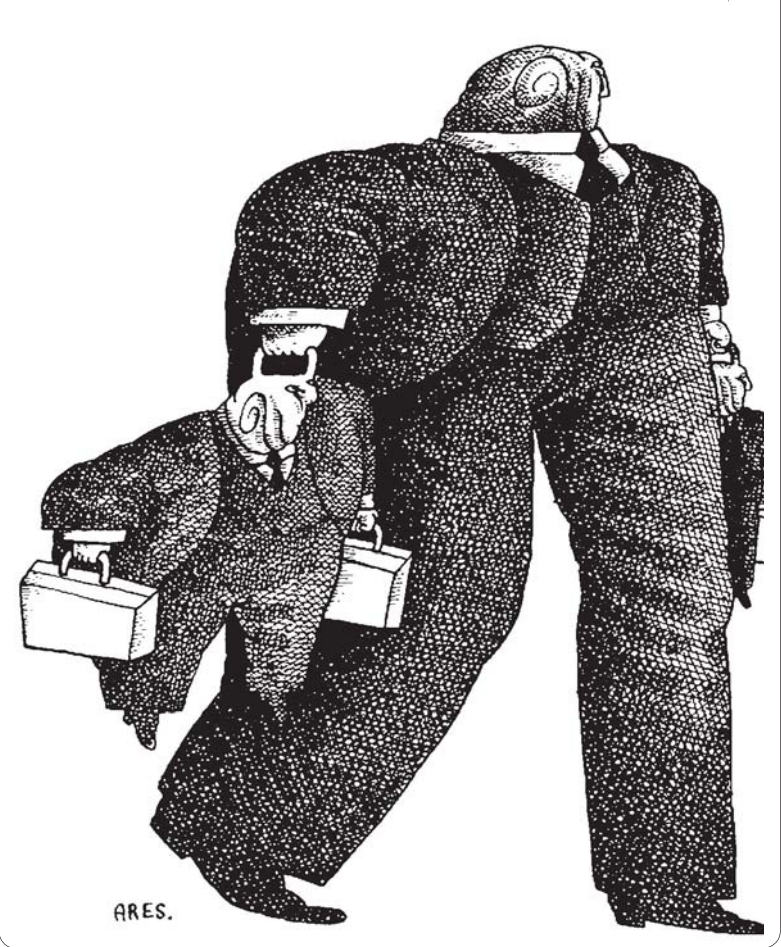
www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۷ • ۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۱ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۲۲۲۲ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۱ • اذان صبح فردا ۵:۱۰ • طلوع آفتاب ۶:۳۷

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

آرستیدز هرناندز



اینترنتِ پتیاک



بدون توقف!

پهنای باند اختصاصی ویژه سازمان ها و ادارات با تجهیزات رایگان و تعرفه عالی

www.petiak.com

دارای پروانه سراسری ارائه خدمات ارتباطی ثابت از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به شماره ۱۱ - ۹۵ - ۱۰۰

سلام به فردا

پیشگیری از فساد بهتر از درمان است

امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت، هیئت دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور، معاونان آنان و اعضای هیئت مستشاری، ماده ۲ این قانون چنان تنظیم شده که هیچ مقام ریز یا درشتی از ارکان مملکت و اعیان دولت از آن بیرون نمی‌ماند و ما به منظور احتراز از اطلاله کلام علاقه‌مندان را به متن قانون دلالت می‌کنیم. این مقامات مکلف هستند صورت داریی خود را که شامل کلیه اموال غیرمنقول و حقوق داریی ارزش مالی (مثل سرقتلی و حق کسب و پیشه و تجارت) مطالبات و دیون، سرمایه‌گذاری اوراق بهادار، موجودی حساب‌های مختلف در بانک‌ها، مؤسسات مال و اعتباری و نظایر آنها و هرگونه منبع درآمدی مستمر را قبل و بعد از هر دوره خدمتی به قوه قضائیه اعلام کنند و این تکلیف، داریی‌های همسر و فرزندان تحت تکفل آنان را نیز دربر می‌گیرد و مادام ۲ قانون یکی از شرایط تصدی را تعهد به ارائه این فهرست اعلام کرده است. در قانون سال ۱۳۳۷ شمول آن عروس و داماد و اولاد کبیر را نیز دربر می‌گرفت که البته بهتر بود. اما به‌رحال قانون موجود همچنان که گفتیم تاکنون بلااجرا مانده است و گفته شده مقدمات و زیرساخت‌های لازم فراهم نیست و اجرای آن دشوار است. معلوم نیست این زیرساخت‌ها چیست که ایجاد آن در برخی موارد مشکل است؟ به‌رحال گفته شده که محاکمه علنی مفسدان اقتصادی عن‌قریب آغاز خواهد شد و احتمالاً پخش رادیویی و تلویزیونی هم خواهد داشت و چه‌بسا به تعیین مجازات‌های بسیار شدید برای برخی متهمی شود. سؤال مشخصی این است: وقتی قانونی با این احکام وجود دارد و وقتی پیشگیری را عقلاً بهتر از درمان دانسته‌اند و وقتی هیچ فسادای نیست که به‌نوعی یک سرر آن به دولت و حکومت به‌معنای اعم مربوط نباشد، علت عدم اجرا چیست؟ و آیا بگیر و ببند در اموری چون مبارزه با مواد مخدر نتیجه داد که در این مورد بدهد؟ والله اعلم.

سوفیا و میدون

یک دیالوگ معمولی عاشقانه در تابستان ۱۳۹۷

پوریا عالمی

سوفیا توی موبایلش بالا و پایین می‌ورد و می‌گوید: گوش میدون دوم... بین احکام داشنجوها و افسردی که رفته بودند در خیابان یا در دانشگاه بودند، آمده.

می‌گویم: خب؟

می‌گوید: این داشنجوها چون رفتند دانشگاه قصه شده! مگر دانشگاه‌رفتن جرم است؟

می‌گویم: نه خب. ولی دی‌ماه بود. مثل تیرماه. می‌گوید: پس تیر و دی مشکل دارد؟ این خیلی گرم است و آن خیلی سرد.

می‌گویم: نه. اصلا نه تیر و دی‌ماه مشکل دارند، نه دانشگاه‌رفتن مشکل دارد... باید توجه کنی که اینها دانشجو بودند.

می‌گوید: یعنی دانشجوبودن مشکل دارد؟ می‌گویم: کلا که نه، ولی حواست باشد این داشنجوها نگران جامعه بودند.

می‌گوید: وای!!!... می‌خواهی بگویی جامعه مشکل دارد؟

می‌گویم: نه... نه... کارگران مشکل دارند، داشنجوها هم اعتراض کردند.

می‌گوید: یعنی مشکل از کارگران است؟

می‌گویم: نه بابا... کارگران مشکل بی‌کاری دارند.

می‌گوید: یعنی از سر بی‌کاری اعتراض می‌کنی؟! می‌گویم: نه عزیزم... چون مسئولان پاسخ‌گو نیستند.

می‌گوید: مسئولان اینها را بی‌کار کردند؟ می‌گویم: مستقیم مستقیم که نه... ولی خب کارخانه‌ها روی هوا هستند. مسئولان هم هوایی می‌زنند.

می‌گوید: یعنی مشکل هوایی است؟

می‌گویم: نه کلم... مشکل هوایی نیست، زمینی است! بگذار برایت توضیح بدهم.

نصف اینها که اعتراض دارند کارشان را از دست داده‌اند. نصفی هم اصلا کار ندارند و کار می‌خواهند.

می‌گوید: چرا کار ندارند؟ دولت و شهرداری که توی این ۲۰ سال گذشته هزاران نفر را استخدام کردند.

می‌گویم: خب دیگر یک مرحله‌ای داریم به اسم «گزینش»، اگر توی آن قبول نشوی، استخدام نمی‌شوی.

می‌گوید: خب توی گزینش چی می‌پرسند؟ می‌گویم: خیلی چیزها... مثلاً می‌پرسند دانشگاه رفته‌ای یا نه؟

می‌گوید: اگر بگویی نرفته‌ای، استخدام می‌کنند؟ می‌گویم: نه دیگر. باید بگویی رفته‌ام.

می‌گوید: تو که گفتی اگر کسی رفته باشد دانشگاه برایش قصه می‌شود.

می‌گویم: مغز من را رونمایی کردی. میشه لطفا بس کنی؟

می‌گویند: یعنی می‌گویی مشکل منه؟ خاک‌توسرت. مشکلات مملکت را هم می‌اندازی گردن من؟

آورده‌ای صرفاً در مورد رهبر، رئیس‌جمهوری، معاونان

رئیس‌جمهوری، وزيران و همسر و فرزندان آنان مطرح

شد که البته اطلاع‌رسانی در مورد اجرا و نحوه و ابعاد

اجرای آن چندان کامل و روشن نبوده است. کسانی

تصویب اصل ۱۴۲ را مانع اجرای قانون مصوب ۱۳۳۷

می‌دانستند که البته به نظر بنده این مانع وجود نداشت.

به هر حال کسانی به فکر افتادند که موضوع را به طور

جدی دنبال کنند، در نتیجه طرحی قانونی با نامی که

گفتیم در مجلس تصویب و با مخالفت شورای نگهبان

مواجه و در نتیجه اصرار مجلس به مجمع تشخیص

مصلحت نظام ارسال و در نهم آبان ماه سال ۱۳۹۴

تصویب شد؛ حال آنکه زمان تصویب آن در مجلس

شورای اسلامی هفدهم اردیبهشت ۱۳۹۱ بود. مقاومتی

که در مقابل تصویب این قانون وجود داشت، در خور

تأمل است. طرفه اینکه این قانون پس از شش سال و

چند ماه از تصویب اولیه و سه سال و چند ماه از تصویب

در مجمع تشخیص هنوز اجرا نشده است، حال آنکه

ماده ۶ همین قانون مقرر داشته قوه قضائیه موظف است

حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجراشدن این

قانون، آیین‌نامه اجرایی قانون را تهیه و پس از تأیید قوه

قضائیه ابلاغ کند. قانون مذکور ناظر است به نمایندگان

مجلس خبرگان رهبری، اعضای مجمع تشخیص

مصلحت، مقامات منصوب از سوی رهبری، اعضای

شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و

معاونان رئیس مجلس و مدیران کل مجلس، معاونان

رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های

وابسته به این قوه و معاونان و مدیران کل آنان، دادستان

کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس دیوان عدالت

اداری، رؤسای کل دادگستری استان‌ها و معاونان آنها و

سایر دارندگان پایه قضائی (یعنی همه قضات ایستاده

و نشسته)، مشاوران سران سه قوه، رؤسای دفاتر سران

سه قوه و مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس

خبرگان رهبری، دستیار ارشد رئیس‌جمهور و معاونان

وزرا و مدیران کل و هم‌ترازان آنها؛ دبیران شورای عالی



بهمن کشاوارز

حقوق‌دان

خبرگزاری ایرنا در فروردین سال جاری به نقل از سازمان شفافیت بین‌الملل اعلام کرد ایران برای دومین سال از نظر فساد اداری رتبه صدوسی‌ام را بین ۱۸۰کشور کسب کرده است. در آن زمان در این خصوص چیزهایی گفتیم و البته نهایت احتیاط را نیز به کار بردیم چون در آن زمان کمتر کسی ابعاد فساد را باور داشت یا اگر هم باور داشت علنی نمی‌کرد. امروز در نقطه‌ای هستیم که ظاهراً تشت از بام افتاده و کتمان قضیه فایده و خاصیتی ندارد. در آن زمان عرض کردیم مواردی چون بررسی داوطلبان استخدام پیش از ورود به خدمت دولت از جهات مختلف، به‌موقع عمل‌کردن سازمان‌های نظارتی، ایجاد رفاه کامل برای قضات و رفاه نسبی برای کارمندان دادگستری، اجرای جدی قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، اجرای درست قانون خصوصی‌سازی، اعلام علنی میزان هزینه‌هایی که در انتخابات مصرف می‌شود با منشأ آنها، جدی‌شدن رئیس‌جمهور در استفاده از اختیارات حاصل از قانون ۱۳۶۴، پاسخ‌گوکردن همه نهادها و سازمان‌ها که در حال حاضر پاسخ‌گو نیستند؛ می‌تواند فرایند مبارزه با فساد را تسهیل کند و البته وجود آزادی مطبوعات و خبرنگاران و نویسندگانی که از اعمال آزادی بیان خود به لحاظ اشکالات آزادی بعد از بیان نهراسند، مکمل این فرایند بلکه شرط اصلی تحقق آن است.

مطلبی که در آن زمان نیز گفته شد و اینک بیان آن واجب است، ماجرای قانون رسیدگی به داریی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران یا همان قانون مشهور «از کجا آورده‌ای؟» خودمان است. چنین قانونی را از سال ۱۳۳۷ داشتیم که اجرا نشد. بعد از پیروزی انقلاب در اصل ۱۴۴ قانون اساسی بحث از کجا

زنانی که من دیده‌ام

شهین خانم

هم کنکور دادند و هر دو با هم دانشجو شدند؛ پسرش مهندس کامپیوتر و خودش پژوهشگری اجتماعی. آن زمان هم شهین ۲۵سال‌وخرده‌ای داشت «که خرده‌اش تقریباً با اصلش برابر بود». بزرگ‌ترین شاگرد دوره بود که وقتی رفته بود ثبت‌نام کند، مسئول آموزش که فکر کرده بود شهین‌خانم برای ثبت‌نام فرزندش آمده، گفته بود: «ببخشید خانم برای ثبت‌نام خودشان باید حضور داشته باشند» و او پاسخ داده بود: «دانشانم خردم هستم». درس‌خوان بود و جزوه‌هایش دست‌به‌دست می‌گشت، میهمانی‌های دوره‌ای می‌گرفت و بچه‌ها را دور هم جمع می‌کرد. با استادان رابطه خوبی داشت و پروژه‌های اضافه انجام می‌داد. چهار سال تمام تا پایان کارشناسی که حالا مدرکش را به دیوار اتاقش زده، جوانی را از نو تجربه کرد. درسش که تمام شد، حیفت آمد آن شور و نشاطی را که دوره دانشگاه بر زندگی‌اش تابانده بود. از دست بدهد. احتیاج داشت تا صبح‌ها به شوق چیزی چشم‌باز کند و نگذارد سایه انتظار بر زندگی‌اش سنگین‌تر شود. ادامه تحصیل هم برای سن‌وسال او چندان ساده نبود. تصمیم گرفت برای امتحان هفته‌ای یک روز پیش دوستش به کلاس نقاشی برود. در ۶۰سالگی نقاشی با آبرنگ را شروع کرد. حالا ۱۷ سال است که نقاشی می‌کند. هنوز در هفته یک‌بار به کلاس می‌رود و هر روز غروب قلم و کاغذش را پهن می‌کند و طرحی نو درمی‌اندازد. تقریباً خانه‌ای در اطرافیان نیست که با یکی از نقاشی‌های شهین‌خانم تزئین نشده باشد. ۹ شهریور روز جهانی مفقودالاثرهاست؛ کسانی که در جنگ، درگیری‌های سیاسی و مسیر مهاجرت ناپدید شده‌اند. ناپدیدشدن‌های این‌گونه یعنی: تحمیل انتظاری بی‌پایان به خانواده‌هایی چشم‌انتظار. شهین‌خانم رنگ انتظار را برای من تغییر داد. تا امروز حلقه ساده و ظریفش را از دست درنیاورده و با دستانش طرح‌هایی ظریف و زیبا به تصویر می‌کشد؛ دنیا‌هایی پر از رنگ، پر از گل، پر از پرند و خورشید، طرح‌هایی که برای لحظه‌ای تو را می‌کند و با خود می‌برد شاید به آن ناکجایی که حبیبش هست.

پرنده ابی

به نظر می‌رسد. عده زیادی برگزاری این کنسرت‌ها را گامی بزرگ برای آشتی با موسیقی دانسته‌اند. عده‌ای دیگر معتقدند مردم هنوز فرهنگ حضور در این مراسم را ندارند، این‌گونه افراد که خود را تافته‌ای جدابافته در نظر می‌گیرند، فراموش کرده‌اند که هیچ‌کس از ابتدا همه‌چیز را بلد نیست و به‌تدریج و با گسترش هرچیزی فرهنگ استفاده از آن نیز ممکن می‌شود. البته عده‌ای نیز به سخنان هوشنگ کامکار اشاره کردند که پیش‌تر گفته بود: «در خیابان کنسرت برگزارکردن عملی نیست، سخت است. چطور می‌خواهند مردم را کنترل کنند». عده‌ای نیز معتقدند این کنسرت‌ها به بسیاری یادآوری کرد که موسیقی خطرناک نیست و هیچ اتفاقی در هنگام شنیدن موسیقی‌های موردنظر و مجوزدار رخ نمی‌دهد. بااین‌حال بسیاری در شبکه‌های اجتماعی منظر حضور همایون شجریان و وعده برگزاری کنسرت او هستند که زیاد هم نباید به عملی‌شدن آن اطمینان داشت، چراکه مدت کوتاهی به آغاز محرم مانده است.